

آسیب‌شناسی قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران براساس قواعد بانکداری اسلامی

وهاب قلیچ^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نظام مالی اسلامی با نظام مالی متعارف، جایگاه مهم و والای انگیزه‌های معنوی در کنار پذیرش انگیزه‌های مادی و سودطلبانه است. در واقع، فرهنگ غنی اسلامی با پرداختن به انگیزه‌های معنوی، درصدد تنظیم رفتارهای اقتصادی در جهت رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی است. یکی از جلوه‌های این فرهنگ، در مفهومی همچون قرض‌الحسنه متبلور شده است. امروزه یکی از عقود پرکاربرد در نظام بانکی کشور، عقد قرض‌الحسنه است. این عقد هم در بخش تجهیز منابع و هم در بخش تخصیص منابع مورد استفاده نظام بانکی ایران قرار دارد. با مروری بر متن قرارداد و عملیات اجرایی بکارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور، متوجه چالش‌هایی فقهی - اقتصادی خواهیم شد. این مقاله سعی دارد ضمن تبیین چالش‌های موجود راهکارهایی را جهت تقلیل چالش‌ها بیان نماید.

واژگان کلیدی: قرض‌الحسنه، نظام بانکی، بانکداری اسلامی

طبقه‌بندی JEL: G20, G21, D01, Z10

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های نظام مالی اسلامی با نظام مالی متعارف، جایگاه مهم و والای انگیزه‌های معنوی در کنار پذیرش انگیزه‌های مادی و سودطلبانه است. در واقع، فرهنگ غنی اسلامی با پرداختن به انگیزه‌های معنوی، درصدد تنظیم رفتارهای اقتصادی در جهت رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی است. یکی از جلوه‌های این فرهنگ، در مفهومی همچون قرض‌الحسنه متبلور شده است. هدف از برقراری قرض‌الحسنه‌ای که از آن به وام نیکو تعبیر شده و در قرآن و روایات تأکید فراوانی به آن شده است، رفع نیازهای اساسی افراد نیازمند با لحاظ نیت الهی است تا با فراهم نمودن شرایط و ابزارهای مناسب بتوان در جهت گردآوری وجوه و دادن قرض‌الحسنه به نیازمندان اقدام نمود. همچنین در نظام اسلامی قرض‌الحسنه به عنوان بهترین روش جایگزینی ربا برای استفاده افرادی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند، در نظر گرفته است تا اغنیا و افراد توانمند با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض‌الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام نمایند.

امروزه یکی از عقود پرکاربرد در نظام بانکی کشور عقد قرض‌الحسنه است. این عقد هم در بخش تجهیز منابع و هم در بخش تخصیص منابع مورد استفاده نظام بانکی ایران قرار دارد. هدف اصلی از انجام این تحقیق که به نحو علمی ترویجی و روش تحقیق تحلیلی توصیفی تدوین شده است، آنست که با آسیب‌شناسی بکارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران، راهکارهایی را جهت بهبود وضعیت قرض‌الحسنه بانکی ارائه نماید.

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه قرض‌الحسنه پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود. موسویان (۱۳۸۲) در مقاله‌ای به اهمیت قرض‌الحسنه پرداخته و توسعه کمی شعب و گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه را بررسی کرده است. این مقاله اشاره دارد که وارد شدن برخی از صندوق‌ها در معاملات غیر قرض‌الحسنه‌ای موجب نگرانی مسئولین نظام پولی و بانکی کشور شده است. ایجاد یک موسسه مادر جهت محافظت، رشد و توسعه این صندوق‌ها زیر نظر بانک مرکزی و یا هر ارگان دیگری از پیشنهادات این مقاله است.

اثنی‌عشری و بابایی (۱۳۸۸) تحت مطالعه‌ای به برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تغییر حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۶ نسبت به انتظارات تورمی، برون‌زا بوده است. همچنین افزایش یک درصدی انتظارات تورمی در اقتصاد ایران منجر به کاهش ۰٫۰۱۴ درصدی حجم سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها می‌شود. البته این میزان تغییر، مقدار تغییر

خالص در اثر تغییر نرخ تورم انتظاری را نشان می‌دهد و اثر سایر مولفه‌ها و متغیرها در این ضریب لحاظ نشده است.

محقق نیا (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور پرداخته است. او نتیجه گرفته است که در نظام بانکی ایران بطور متوسط تنها اندکی بیش از نیمی از منابع قرض‌الحسنه به اعطای قرض‌الحسنه اختصاص یافته است. از سوی دیگر سهم سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه نیز بطور پیوسته کاهش داشته است. گرچه مصوبات دولت در سال‌های اخیر توانسته است سهم تسهیلات قرض‌الحسنه را بهبود ببخشد اما هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب در تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه‌ای فاصله وجود دارد.

توحیدی نیا (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک)» نشان می‌دهد که چگونه بانک قرض‌الحسنه با نقش‌آفرینی در یکی یا بیشتر از اجزا و ارکان اساسی صکوک می‌تواند بر مشکل نقدینگی خود فائق آمده و اسباب توسعه قرض‌الحسنه را فراهم آورد. در این مقاله تشریح شده است که چگونه بانک قرض‌الحسنه می‌تواند در نقش متقاضی منابع مالی ظاهر شده و با انتشار صکوک به جذب منابع اقدام کند و یا چگونه می‌تواند در نقش یک سرمایه‌گذار ظاهر شده و با خرید اوراق، اسباب توسعه قرض‌الحسنه را فراهم سازد.

بیدار (۱۳۹۱) در مقاله خود به بررسی مشروعیت کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حکایت از وجود نشانه‌هایی از صوری بودن محاسبه کارمزد قرض‌الحسنه در بانک‌های کشور دارد. در این مقاله ضمن بیان اقوال فقهای امامیه در خصوص کارمزد و نقد و بررسی راهکارهای دریافت آن، سه راهکار پیشنهادی تامین هزینه‌های قرض‌الحسنه از بیت‌المال، اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و محاسبه کارمزد واقعی به منظور تامین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه بیان شده است.

محقق نیا (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان طرحی نو در قرض‌الحسنه و در جستجوی الگوی جامع قرض‌الحسنه، عدم طراحی انواع حساب‌های قرض‌الحسنه را که متناسب با نیازهای جامعه شکل گرفته باشد، یکی از نقایص شرایط کنونی عملکرد نظام بانکی می‌داند. به همین دلیل، در مقام پاسخ به این نیاز، در این کتاب با معرفی ده حساب جدید قرض‌الحسنه، تلاش نموده تا پویایی و کارایی مورد انتظار مفهوم قرض‌الحسنه را بازیابی نماید.

عزتی (۱۳۹۳) ضمن ارزیابی بازارهای مالی به تاثیر این بازارها بر بازار قرض‌الحسنه پرداخته است. از جمله نتایج این پژوهش آن است که درآمد، سن و نهادها و سرمایه‌های دینی اثر مثبت بر گسترش قرض‌الحسنه دارند ولی افزایش قیمت مسکن، فعالیت‌های قرض‌الحسنه را کاهش می‌دهند.

در خارج از کشور نیز مطالعات متعددی در مورد کارکرد قرض‌الحسنه در نظام بانکی صورت پذیرفته که البته ارتباطی با تحلیل وضعیت نظام بانکداری ایران ندارد. از جمله میرآخور و اقبال (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی ظرفیت‌های موجود در قرض‌الحسنه جهت توسعه مالی خرد اشاره داشته‌اند. همچنین محمد عمر فاروق (۲۰۱۰) در مقاله‌ای به بررسی حساب‌های قرض‌الحسنه، ودیعه و امانت در نظام بانکداری اسلامی و کاربردهای صحیح و اشتباه آن پرداخته است. ثاقب و همکاران (۲۰۱۵) راهکارهای استفاده از قرض‌الحسنه در بانکداری کشور پاکستان جهت کمک به کشاورزان فقیر را بررسی کرده‌اند.

آن‌گونه که مشاهده می‌شود سابقه آسیب‌شناسی جامع از قرض‌الحسنه بانکی در نظام بانکداری ایران به نحوی که در این مقاله از حیث فقهی و اقتصادی مدنظر است، وجود ندارد. از این‌رو می‌توان نوع پرداخت به مقوله مهم قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور را وجه متمایز این تحقیق نسبت به پژوهش‌های سابق دانست.

در ادامه ابتدا تعریفی از قرض‌الحسنه ارائه شده و احکام فقهی این عقد مورد مرور و بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه با استفاده از قواعد و احکام بانکداری اسلامی عملکرد نهاد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران مورد آسیب‌شناسی قرار خواهد گرفت. ارائه راهکارهای پیشنهادی جهت تخفیف چالش‌های موجود بخش انتهای تحقیق را شکل می‌دهد.

۲. تعریف قرض‌الحسنه

قرض عبارت است از تملیک مالی به دیگری با این تعهد است که او ضمانت کند که عین آن یا مثل آن یا قیمت آن را بپردازد. به تملیک کننده «مقرض» و به قبول کننده ملک «مقترض» یا «مستقرض» می‌گویند (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

در ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران عقد قرض چنین تعریف شده است: «قرض عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند و طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد».

اما قرض‌الحسنه با قرض تفاوت‌هایی دارد. شاید مراد از قرض‌الحسنه یا همان «قرض‌حسن» این باشد که قرض دادن از روی اخلاص و خالی از نیت غیر الهی باشد. در این صورت خداوند مال انسان را برکت و افزایش می‌دهد و بطوری که روایت شده است؛ ۱۰ تا ۷۰ برابر می‌گرداند و این اختلاف در افزایش سبب اختلاف در نیت و استحقاق منفق علیه و صلاح و علم و قربت او به مقرض است (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۰۳).

قرض الحسنه اصطلاحی قرآنی است که در لسان قرآن با تعبیر خاصی از آن به نیکی یاد شده است. برای نمونه در سوره بقره آیه ۲۴۵ آمده است: «من ذا الذی یقرض الله قرض حسناً فیضاعفه اضعافاً کثیره و الله یقبض و یبسط و الیه ترجعون».

همچنین در روایات نیز بر این سنت حسنه تاکید شده است. به عنوان نمونه در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «من شکا الیه اخوه المسلم فلم یقرضه حرم الله عزوجل علیه الجنه یوم یجزی المحسنین» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۸۸). «کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و او قرض ندهد، خداوند روزی که محسنین را جزا می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌کند».

۳. کارکرد قرض الحسنه

از منظر عرضه‌کنندگان وجوه، می‌توان رفتارهای اقتصادی را به دو گروه کلی تقسیم کرد: اول رفتارهایی که به انگیزه سود ابراز می‌شوند مانند بیع (خرید و فروش)، اجاره، مشارکت، مضاربه و غیره و دوم رفتارهایی که اینار عامل اصلی تحقق آن است مانند انفاق، صدقه، وقف، هبه، عاریه، قرض الحسنه و غیره. قرض الحسنه با رفتارهای نوع اول تفاوت جوهری دارد، زیرا در بیع مالی با مال دیگر مبادله می‌شود و طرفین تلاش دارند تا مالی را که به دست می‌آورند ارزش آن بیشتر از آن چه که از دست می‌دهند، باشد؛ یا گرچه در قرض الحسنه و اجاره طرف مقابل را بر مال خود مسلط می‌کنند تا از منافع آن استفاده نماید، اما تفاوت آن‌ها ذاتی است، زیرا در اجاره مؤجر نه تنها مال را از ملکیت خود خارج نمی‌کند، بلکه به انگیزه دریافت حق‌الاجاره به این رفتار اقتصادی دست می‌زند، اما در قرض الحسنه مال را به ملکیت مقترض در می‌آورد و در آینده عین مال یا مثل یا قیمت آن را طالب است بدون این‌که به دنبال دریافت سودی باشد. همچنین، قرض الحسنه با عقود مشارکتی همچون مشارکت، مضاربه و غیره نیز تفاوت دارد، زیرا انگیزه اصلی در تمام این قراردادها بهره‌مندی از سود بیشتر (حداقل در دید طرفین قرارداد) است، اما در قرض الحسنه چنین نیست زیرا ماهیت آن را عوض کرده و به معامله ربوی تبدیل می‌کند. در خصوص قرض الحسنه و رفتارهای نوع دوم نیز می‌توان چنین گفت که عرضه‌کنندگان صدقه و انفاق نه تنها به دنبال سود نیستند، بلکه از اصل نیز در راه ارزش‌ها و اعتقادات خویش صرف‌نظر می‌نمایند که با این کار موجب رفع نیازهای بسیاری از نیازمندان جامعه می‌گردند و هرچه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه بیشتر باشد، تحقق این رفتار بیشتر است. قرض نیز مانند صدقه، انفاق و هبه غیرمعووضه وسیله‌ای برای تعاون اجتماعی و رفع نیازهای افراد است. عاریه نیز رفتاری شبیه قرض الحسنه دارد که به موجب آن احد از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود (ماده ۶۳۵ قانون مدنی)؛ با این تفاوت که در قرض الحسنه مقترض می‌بایست در پایان مهلت مقرر عین یا مثل یا قیمت آن را

بپردازد، اما در عاریه مال به عاریه‌گیرنده تسلیم می‌شود تا از آن منتفع گردد و در وقت مقرر عین آن را پس دهد. بنابراین، انتقال آن با بقای عین (و نه تغییر آن) ممکن است. البته باید به این نکته توجه کرد که منزلت قرض‌الحسنه بیشتر از راه‌های دیگر چون انفاق و صدقه است، زیرا قرض‌الحسنه به دست نیازمند واقعی می‌رسد و موجب تلاش و کار بیشتر قرض‌گیرنده می‌گردد. اما در صدقه و انفاق این جنبه سازندگی و تربیت نفوس کم‌رنگ‌تر می‌گردد؛ زیرا گیرنده صدقه و انفاق الزامی به پس دادن موضوع مورد انفاق و صدقه ندارد. اما در قرض‌الحسنه، قرض‌گیرنده ملزم به بازپرداخت قرض است. اما در طرف دوم، از منظر متقاضیان وجوه می‌توان افراد را به سه گروه کلی تقسیم کرد: کسانی که علاوه بر اصل پول توانایی بازپرداخت سهمی از سود حاصله را نیز دارند که این افراد اغلب از وضعیت درآمدی خوبی برخوردارند و معمولاً این تسهیلات را در سرمایه‌گذاری‌های متوسط و بزرگ به کار می‌برند تا همچون مشارکت و مضاربه بدنبال کسب سود بیشتر باشند. گروه دوم کسانی که صرفاً توانایی بازپرداخت اصل پول را دارا هستند که این افراد اغلب برای نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری‌های کوچک تولیدی و خدماتی به این تسهیلات نیازمندند؛ قرض‌الحسنه مناسب این گروه است؛ و سوم کسانی که نه تنها توانایی بازپرداخت سود را ندارند، بلکه نمی‌توانند اصل پول را نیز بازگردانند که برای این افراد نیز انفاقات واجب (مثل زکات) و مستحب (مثل صدقات مستحب) تأکید شده است (حبیبیان نقیبه، ۱۳۸۱: ۱۲۵).

۴. احکام عقد قرض‌الحسنه

قرض یکی از عقود است و لذا احتیاج به ایجاب و قبول دارد قرض‌دهنده بگوید: «به تو قرض دادم» و یا عبارتی که این معنا را برساند و گیرنده بگوید: «قبول کردم» و یا عبارتی به این معنا که رضایتش به ایجاب را برساند و در این ایجاب و قبول عربیت شرط نیست بلکه با هر لغتی واقع می‌شود. همچنین قرض به شکل معاطات نیز صورت می‌گیرد و معاطات در قرض به این شکل است که دهنده پول را به عنوان قرض در اختیار گیرنده قرار دهد و گیرنده هم به همین قصد آن را تحویل بگیرد (موسوی خمینی؛ ۱۳۸۰: ۲۱۳).

• چون قرض، عقد است در آن تمام شرایطی که در متعاقدين شرط است در مقرض و مقترض شرط است یعنی باید عاقل و بالغ و دارای قصد و اختیار بوده باشد و سایر شرایط را هم دارا باشند (موسوی خمینی؛ ۱۳۸۰: ۲۱۳).

• با توجه به تعریف و روایات باب قرض، قرارداد قرض قرارداد تملیکی، معاوضی و به نوعی تبرعی است. یعنی در قرارداد قرض، قرض‌دهنده مال را به ملکیت قرض‌گیرنده در می‌آورد و قرض‌گیرنده متعهد می‌شود عوض آن چه را قرض کرده به قرض‌دهنده برگرداند.

- قرض، معاوضه صرف نیست بلکه در غالب موارد همراه با نوعی ایثار و تبرع است، کسی که برای مدتی از منافع مال خویش صرف نظر می کند و آن را در اختیار دیگری می گذارد تا وی از آن استفاده کند و نیازش را برآورده سازد، مشمول آیات و روایات ترغیب کننده بر قضای حاجات مؤمن خواهد بود و از اجرا و ثواب الهی برخوردار خواهد شد. محقق حلی و محقق اردبیلی، استحباب و پاداش قرض را از این باب می دانند (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۲۰).
- قرض الحسنه باید بدون نیت منت باشد. قرآن کریم می فرماید: اِیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لَا تَبْتَغُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْاِذَى (بقره، ۲۶۴). ای کسانی که ایمان آورده اید صدقه خود را با منت نهادن و اذیت کردن مقروض باطل و ضایع نکنید.
- قرض الحسنه باید از اموال خوب و حلال باشد. قرآن کریم می فرماید: یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم (بقره، ۲۶۷). ای کسانی که ایمان آورده اید از درآمدهای خوب و پاک و حلال خود انفاق کنید.
- قرض الحسنه باید با نیت پاک و خلوص و برای خدا باشد، زیرا در قرآن قرض در ردیف نماز و زکات آمده است. قرآن کریم می فرماید: اَقِمْوْا الصَّلٰوَهٗ وَاَتُوا الزَّكٰوَهٗ وَاَقْرَضُوْا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا وَاَتَقَدَّمُوا لَانَفْسِكُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَیْرًا وَاَعْظَمُ اجْرًا (مزمّل، ۲۰). و نماز بگزارید و زکات بدهید و برای خدا قرض الحسنه بدهید و هر خیری را که پیشاپیش بفرستید پاداش آن بزرگ تر است.
- مال مورد قرض باید ویژگی هایی داشته باشد. این مال باید عین باشد بنابراین قرض دادن دین و منفعت صحیح نیست و همچنین مال مورد قرض باید معین باشد و اگر بین دو مال مردد باشد قرض دادن آن صحیح نیست. مال مورد قرض باید از اموری باشد که مالیت دارد و قابل تملک هستند و بنابراین قرض دادن خمر و خوک جایز نیست. لازم است مورد قرض از چیزهای باشد که وصف و مقدارش قابل ضبط باشد (ایروانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).
- قرض باید بدون نفع و سود و زیادتی مشروط باشد، زیرا در غیر این صورت قرض ربوی خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: کل قرض جر نفعاً فهو ربا (بیهقی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۱). هر نوع شرط زیاده ای در عقد قرض را که به نفع قرض دهنده وضع شود منجر به ربوی شدن معامله می شود. حرمت زیادت (در قرض) وقتی است که آن را در ضمن عقد شرط کنند و اما بدون شرط اشکال ندارد، بلکه برای مقتض مستحب است زیرا این خود عنوان حسن قضا را دارد که فرموده اند، (بهترین مردم کسی است که قضای دینش بهتر باشد) (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۵ و ۲۱۶).
- نوعی از قرض معروف به قرض به شرط بیع محاباتی است و آن عبارت است از این که قرض بدهد، به شرط این که چیزی به کمتر از ثمن المثل از او بخرد و یا بیشتر از ثمن المثل بفروشد؛ از

این جهت چون برای مقرض منفعتی به حاصل می‌شود، حرام و داخل در شرط زیادی است. در کتب الوسيله جامع الشتات، جواهر الکلام و غیره این نظر تایید شده است (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۱۳). حضرت امام در این خصوص عقیده دارند: «اگر قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده بگوید به تو قرض می‌دهم به شرطی که فلان جنس را به کمتر از قیمت به من بفروشی یا اجاره‌دهی شرط زیادی کرده زیرا این نیز داخل در شرط زیادت است، ولی عکس این صورت اشکال ندارد و آن این است که قرض‌گیرنده چیزی که مثلاً مورد حاجت قرض‌دهنده است به او بفروشد و بگوید من این را به شرطی به تو می‌فروشم که فلان مبلغ به من قرض بدهی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۵).

• اگر در قرارداد قرض شرط شود که قرض‌گیرنده، چیزی را نزد قرض‌دهنده رهن (گرو) بگذارد یا فردی را به عنوان ضامن یا کفیل معرفی کند، چنین شرطی هر چند به مصلحت قرض‌دهنده است اما ربا و حرام نیست، زیرا این شرط در حقیقت نفع مالی برای قرض‌دهنده به دنبال ندارد و فقط پرداخت اصل بدهی را تضمین می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۲۴). اما چنانچه شرط کند که از عین مرهونه منتفع شود، داخل در شرط زیادتی است و حرام می‌باشد ولی اگر شرط نکند و بعد از عقد قرض از او اجازه بگیرد که از مورد رهن منتفع شود اشکالی ندارد (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۱۳).

• شرط زیادت علیه مقترض تنها حرام است، و اما شرط آن برای مقترض و علیه مقرض اشکال ندارد مثل این که ده درهم به او قرض بدهد به شرطی که او هشت درهم برگرداند، و یا درهم‌هایی سالم به او قرض دهد به شرطی که او درهم‌هایی لب بریده به او پس بدهد (موسوی خمینی؛ ۱۳۸۰: ۲۱۶). قول مشهور فقها در خصوص حکم اشتراط علیه مقرض مطابق فتوای امام است یعنی شرایطی که به گونه‌ای منافع مقترض را به همراه دارد را بلامانع می‌دانند.

• دریافت کارمزد در قبال خدمات و به اندازه متعارف اشکالی ندارد. «بهره پول حرام است؛ اگرچه به اسم کارمزد گرفته شود. ولی اگر آن چه گرفته می‌شود جداً مزدکار و به مقدار متعارف باشد، با توافق طرفین اشکالی ندارد» (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰: ۲۹۷).

• علی‌رغم تاکید فراوان به قرض دادن، این عمل از سوی قرض‌گیرنده مورد نکوهش و مذموم شده است. به بیان دیگر قرض گرفتن در صورت عدم حاجت عملی است مکروه و با بودن حاجت کراهتش تخفیف پیدا می‌کند؛ هر مقدار که حاجت به قرض کمتر باشد کراهت شدیدتر و هر مقدار که حاجت شدیدتر باشد کراهت خفیف‌تر می‌شود تا به جایی که شدت حاجت، کراهت را به کلی از بین می‌برد، بلکه چه بسا که بخاطر انجام عملی واجب مانند حفظ نفس از تلف و حفظ آبرو و امثال آن قرض گرفتن واجب می‌شود و احتیاط واجب مانند حفظ نفس آن است که کسی که مالی ندارد

که با آن قرض خود را بدهد و احتمال و انتظار رسیدن به چنین مالی را هم ندارد جز در هنگام ضرورت قرض نکند مگر آن که قرض‌دهنده از حال و روز او آگاه باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

• یکی از مواردی که در قرض مورد تاکید بوده است تمکن و عزم مقتضی بر پرداخت قرض است. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «هر کس بگونه‌ای مدیون شود و عزم بر قضا نداشته باشد، به منزله سارق است ... و هر کس به عهده او دینی بود و او قصد ادا داشت، از طرف خداوند به او حافظانی خواهند بود که او را در ادای دین کمک خواهند نمود» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۹۱).

• در این که در قرض، مقرض چنانچه شرط مدت نشده باشد، هر وقت می‌تواند به مثل یا قیمت رجوع نماید، اختلافی بین فقها نیست و از این جهت عده‌ای قرض را جایز دانسته‌اند (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱: ۵۰۷).

• اقوی آن است که اگر در قرارداد قرض، مدت تعیین شود، صحیح است و عمل به آن لازم است و قرض‌دهنده قبل از پایان مدت، حق مطالبه ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۷ و ۲۱۸).

• مالی که قرض گرفته شده اگر مثلی باشد مانند درهم، دینار، گندم و جو، پرداخت آن به پرداخت مثل آن است، چه قیمت زمان پرداخت مساوی زمان قرض باشد چه بیشتر شده باشد و چه کمتر و این وفایی است که متوقف بر رضایت طرفین نیست، پس قرض‌دهنده حق دارد مثل آن چه را قرض داده مطالبه کند و قرض‌کننده حق امتناع ندارد هر چند قیمت آن خیلی ترقی کرده باشد و قرض‌گیرنده حق دارد آن را ادا کند و قرض‌دهنده حق نگرفتن ندارد هر چند قیمت آن خیلی تنزل کرده باشد. اما اگر مال قرض داده شده قیمتی باشد مانند گوسفند، قیمت آن به ذمه قرض‌گیرنده می‌آید، این که قیمت روز قرض ملاک است یا قیمت روز بازپرداخت، دو وجه وجود دارد، وجه اول به صحت نزدیک است، هر چند احتیاط در تراضی و صلح نسبت به تفاوت دو قیمت است (موسوی خمینی، ۱۳۸۰: ۲۱۶ و ۲۱۷).

• اگر در قرارداد قرض تعیین نشود که بدهی در چه مکانی ادا شود، محل پرداخت قرض همان مکانی است که در آن قرض گرفته شده است و بدون رضایت طرفین نمی‌توان تغییر داد، اما اگر در متن قرارداد مکان خاصی تعیین شود، لازم الوفاست هر چند برای قرض‌دهنده سودی داشته باشد و یا برای قرض‌گیرنده هزینه‌ای به همراه داشته باشد دلیل جواز این شرط روایاتی است که در این زمینه وارد شده و فقها مطابق آن‌ها فتوا داده‌اند (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۵- کاربرد قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادی به عنوان قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور وجود نداشت و مواردی به صورت گسسته در بیرون از نظام بانکی تحت عناوینی همچون صندوق‌های قرض‌الحسنه و خیریه فعالیت می‌کردند. با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲، بکارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و به جزئی از اهداف و وظایف این نظام تبدیل شده است. بر اساس ماده یک این قانون یکی از اهداف نظام بانکی «یجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آن‌ها در جهت تامین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری» عنوان شده است؛ همچنین براساس بند هشتم از ماده ۲ قانون مذکور «افتتاح انواع حساب‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز)» به عنوان یکی از وظایف نظام بانکی قلمداد شده است.

در بخش تجهیز منابع نظام بانکی ایران، سپرده‌های قرض‌الحسنه به دو دسته کلی سپرده قرض‌الحسنه جاری و سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز تقسیم می‌شود. براساس ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا «بانک‌ها می‌توانند، تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: الف. سپرده قرض‌الحسنه: ۱. جاری ۲. پس‌انداز ۳. ب. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار». همچنین براساس ماده ۴ این قانون، بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس‌انداز و جاری) هستند.

همچنین براساس ماده ۱۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا از عقد قرض‌الحسنه در تخصیص منابع بانکی نیز نام برده شده است. در این ماده بیان شده است که «بانک‌ها موظفند جهت تحقق اهداف بندهای ۲ و ۹ اصل ۴۳ قانون اساسی بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند». حال در ادامه به معرفی اجمالی سپرده قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز می‌پردازیم:

۵.۱. سپرده قرض‌الحسنه جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربا، ماهیت قرض دارد و مثل حساب جاری در بانک‌های متعارف است و همانند آن‌ها خدمات حساب جاری همانند دسته چک را در اختیار صاحب حساب قرار می‌دهد و به موجودی این‌گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، موجب تسهیل پرداخت‌ها و بی‌نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقدی می‌شود. بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و ذخایر احتیاطی، باقیمانده وجوه را از طریق عقود مندرج در ماده ۳، به کار گرفته، سود کسب کنند.

۵.۲. سپرده قرض الحسنه پس انداز

حساب پس انداز از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی بوده و ماهیت قرض دارد. این حساب همانند حساب پس انداز در بانکداری متعارف است با این تفاوت که در بانکداری بدون ربا، به صاحبان حساب پس انداز، بهره‌ای پرداخت نمی‌شود.

حساب مذکور این امکان را به مردم می‌دهد که وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی باشد برای مدت نامعین به بانک بسپارند و هرگاه نیاز داشتند، از بانک دریافت کنند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک درآمده، جزو منابع خواهد بود و بانک‌ها با لحاظ ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض الحسنه اختصاص داده، بخش دیگر را از طریق عقود مندرج در ماده ۳ به کار گرفته، سود کسب می‌کنند. عموماً بانک‌ها برای تشویق سپرده‌گذاران سپرده قرض الحسنه پس انداز جوایزی در نظر می‌گیرند. این جوایز به صورت نقدی و جنسی است و از طریق قرعه بین صاحبان حساب توزیع می‌شود. البته در بخش تخصیص منابع نیز از تسهیلات قرض الحسنه مبتنی بر عقد قرض الحسنه نیز استفاده می‌شود.

۶. آسیب‌شناسی نظری بکارگیری قرض الحسنه در نظام بانکی

استفاده از عقد قرض الحسنه در نظام بانکی از چالش‌هایی برخوردار است. در ادامه به تشریح مهم‌ترین موارد آن می‌پردازیم:

۶.۱. ایراد مفهومی در نامگذاری

آن‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، بنا بر ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌های بانکی به دو دسته سپرده‌های قرض الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار تقسیم شده‌اند. این نامگذاری به نظر منطقی نیست و دارای ایراد مفهومی است. چراکه واژه قرض الحسنه به رابطه حقوقی سپرده‌گذار با بانک اشاره می‌کند و نه نوع سپرده؛ این در حالی است که در قسمت دوم، واژه سرمایه‌گذاری به نوع سپرده اشاره می‌دهد و نه رابطه حقوقی سپرده. بنابراین ملاحظه می‌شود که در نامگذاری سپرده‌های بانکی در متن قانون عملیات بانکی بدون ربا از دو عبارتی استفاده شده است که هم‌عرض همدیگر نیستند و این می‌تواند یک ایراد مفهومی باشد.

۶.۲. عدم تناسب بین عقد قرض‌الحسنه و بانکداری تجاری

با توجه به ماهیت عقد قرض‌الحسنه، بانک‌های تجاری و بازرگانی تناسب چندانی با پذیرش سپرده مردم تحت عنوان قرض‌الحسنه ندارند. این عنوان در خور صندوق‌هایی است که با هدف‌های نیکوکارانه تشکیل می‌شوند حجم عملیات این صندوق‌ها غالباً در مقایسه با بانک‌ها ناچیز است و پول‌هایی که از اشخاص نیکوکار تحت عنوان سپرده بی‌بهره دریافت می‌کنند به آن‌ها امکان می‌دهد وام‌های کوچک بی‌بهره برای برطرف کردن گرفتاری‌های نیازمندان بدهند. این صندوق‌ها نمی‌توانند جایگزین بانک‌های بازرگانی که دارای توانایی‌های لازم برای جذب سپرده‌های مردم و دادن وام‌های بزرگ هستند بشوند (کاشانی، ۱۳۷۶: ۱۰۰).

وارد کردن قرارداد قرض‌الحسنه در بانکداری تجاری، با توجه به بار ارزشی این قرارداد، باعث می‌شود ذهنیت مردم، کارگزاران بانک، مسئولان نظام بانکی، دولت و مجلس نسبت به بانک که به تعریف همه یک بنگاه تمام عیار اقتصادی است، تغییر کرده و بانک را موسسه‌ای خیریه که جوابگوی افشار آسیب‌پذیر و ابزار کار دولت و مجلس در مواقع بروز حوادث غیرمترقبه چون سیل، زلزله و غیره است می‌دانند. شاهد روشن این مدعا وجود تسهیلات تکلیفی در قانون بودجه سالانه است که همه ساله توسط دولت ارائه شده و توسط مجلس تصویب می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳: ۴۴۱).

۶.۳. عدم تناسب مفهومی در اعطای قرض‌الحسنه به بانک

در برخی از الگوهای بانکداری اسلامی در جهان رابطه بانک با سپرده‌گذاران ب اساس قرارداد ودیعه عام یا امانت شکل گرفته است این در حالی است که قانون عملیات بانکی بدون ربا برای ایران سپرده‌های جاری و پس‌انداز را در قالب قرارداد قرض‌الحسنه سامان داده است. بر این اساس، سپرده‌گذاران حساب‌های دیداری و قرض‌الحسنه پس‌انداز، وجوه خود را به بانک قرض بدون زیاده می‌دهند. از آن‌جا که یکی از پایه‌ترین مبانی دریافت قرض‌الحسنه، وجود نیاز به منابع مالی است، در این وضعیت، اعطای قرض‌الحسنه به بانک که دارای منابع مالی فراوان است چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

به نظر می‌رسد از آن‌جا که بانک‌ها موسسه‌های انتفاعی هستند که با استفاده از منابعی که از طریق جذب سپرده سپرده‌گذاران همواره درصدد کسب سود هستند، آن‌ها سزاوار دریافت قرض‌الحسنه نیستند. از این‌رو مسلم است که سپردن منابع قرض‌الحسنه‌ای به بانک، به منظور اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان است؛ نه این‌که بانک‌ها خود نیازمند قرض‌الحسنه باشند. بنابراین بانک صرفاً نقش واسطه‌گری بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده را دارد و این نکته‌ای است که در متن قانون چندان شفاف نشده است.

۶.۴. عدم وجود اهداف خیرخواهانه در سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری

مطابق معارف اسلامی، قرض‌الحسنه زمانی معنا و مفهوم دارد که قرض‌دهنده برای کسب پاداش و ثواب اخروی به فرد نیازمندی پول یا کالایی را قرض می‌دهد؛ اما اگر قرض‌دهنده اهداف دیگری همانند حفظ و نگهداری پول، تسهیل در معاملات و مبادلات مالی و نقل و انتقال وجوه، دریافت دسته چک و برخورداری از مزایای آن و غیره داشته باشد مبلغ اعطایی نام قرض می‌گیرد و نه قرض‌الحسنه. البته خود قرض بدون بهره از نظر اسلامی مجاز و مشروع است و تنها عنوان قرض‌الحسنه بدان صدق نمی‌شود (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۱). بنا به ظاهر، اطلاق واژه قرض‌الحسنه بر این حساب‌ها از این پندار نادرست سرچشمه می‌گیرد که هر قرض بدون بهره‌ای قرض‌الحسنه است؛ در حالی که این درست نیست. با این مقدمه باید گفت که در سپرده‌های جاری نظام بانکی، نه سپرده‌گذاران و نه خود بانک به دنبال تامین اهداف خیرخواهانه و با نیت کسب پاداش و ثواب اخروی نیستند؛ بلکه هدف سپرده‌گذار از افتتاح چنین حسابی سامان‌دهی به دریافت‌ها و پرداخت‌های خود از طریق خدمات حساب جاری همچون دسته چک بوده و از طرف دیگر هدف و نیت بانک از ایجاد چنین حسابی استفاده از رسوب مانده حساب‌ها جهت سودآوری است. بنابراین گرچه این سپرده‌ها ماهیت حقوقی قرض بدون بهره دارند و از مشروعیت برخوردار می‌باشند ولیکن نمی‌توان نام آن را «قرض‌الحسنه» قرار داد.

۶.۵. استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در تسهیلات غیر قرض‌الحسنه‌ای

وجوه فراهم شده از ناحیه حساب‌های قرض‌الحسنه مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک‌ها درآمده و جزو منابع بانک خواهد بود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های بکارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور ما آن است که برخی از بانک‌ها با استناد به این موضوع یعنی مالکیت خود بر منابع قرض‌الحسنه‌ای و در اقدامی مغایر با اهداف قرض‌الحسنه، بخش قابل توجهی از این منابع را به جای آن که در تسهیلات قرض‌الحسنه برای نیازمندان بکار گیرند، آن را در تسهیلات سودآور مورد استفاده قرار می‌دهند. روشن است که این نوع کاربرد از وجوه سپرده‌های قرض‌الحسنه با ماهیت این نوع سپرده‌ها منافات دارد.

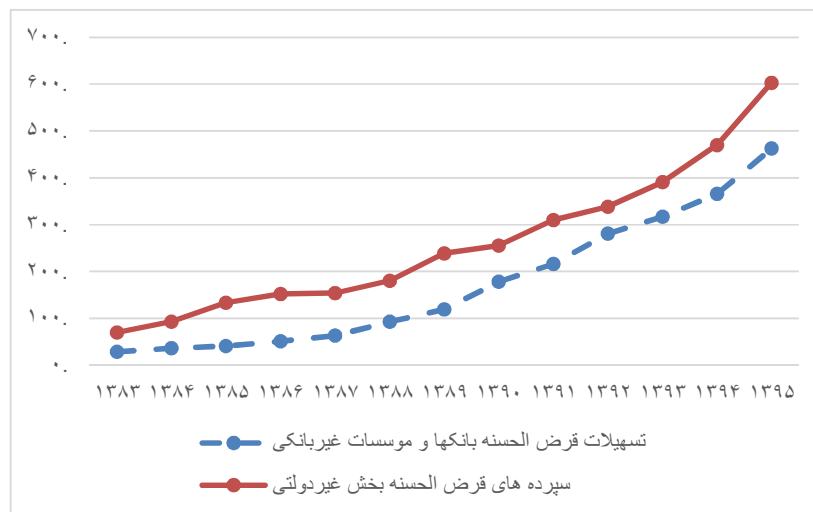
جدول شماره ۱ وضعیت مقصداری سپرده‌های قرض‌الحسنه بخش غیردولتی و تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و موسسات غیربانکی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): وضعیت سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه (هزار میلیارد ریال)

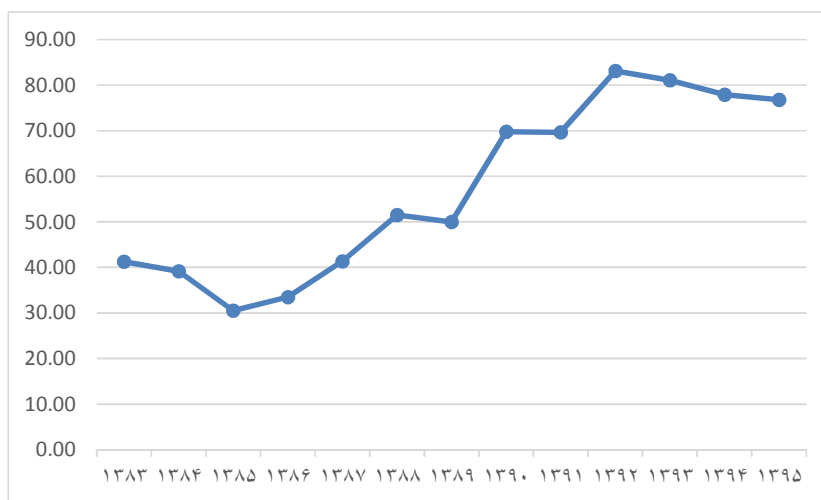
سال	سپرده‌های قرض‌الحسنه بخش غیردولتی	سپرده‌های قرض‌الحسنه بخش تسهیلات قرض‌الحسنه بانک‌ها و مؤسسات غیربانکی	نسبت ستون (۲) به ستون (۱) (درصد)
			۲ ستون
۱۳۸۳	۶۹,۸	۲۸,۸	۴۱,۲۶
۱۳۸۴	۹۳,۲	۳۶,۵	۳۹,۱۶
۱۳۸۵	۱۲۳,۵	۴۰,۷	۳۰,۴۹
۱۳۸۶	۱۵۲,۳	۵۱	۳۳,۴۹
۱۳۸۷	۱۵۳,۹	۶۳,۶	۴۱,۳۳
۱۳۸۸	۱۸۰,۱	۹۲,۸	۵۱,۵۳
۱۳۸۹	۲۳۹	۱۱۹,۵	۵۰
۱۳۹۰	۲۵۵,۷	۱۷۸,۴	۶۹,۷۷
۱۳۹۱	۳۱۰,۳	۲۱۶,۱	۶۹,۶۴
۱۳۹۲	۳۳۸,۵	۲۸۱,۳	۸۳,۱۰
۱۳۹۳	۳۹۰,۹	۳۱۶,۸	۸۱,۰۴
۱۳۹۴	۴۶۹,۸	۳۶۵,۹	۷۷,۸۸
۱۳۹۵	۶۰۲,۹	۴۶۲,۷	۷۶,۷۵

منبع: داده‌های سری‌زمانی و گزیده آمارهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.

نمودار شماره (۱) - وضعیت نموداری سپرده‌ها و تسهیلات قرض‌الحسنه (هزار میلیارد ریال)



نمودار شماره (۲) - نسبت تسهیلات به سپرده‌های قرض‌الحسنه (درصد)



آن‌طور که از نمودار شماره (۲) نتیجه می‌شود وضعیت استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه در راستای تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای در سال‌های اخیر نسبت به سال‌های قبل‌تر بهتر شده است. البته لازم به ذکر است که بخشی از سپرده‌های قرض‌الحسنه به عنوان ذخایر قانونی نگه داشته می‌شوند همچنین این سپرده‌های قرض‌الحسنه شامل سپرده‌های صندوق پس‌انداز بانک مسکن نیز می‌باشند و مصارف مربوط به صندوق مذکور قبلاً به منظور کمک به حوزه مسکن در بانک مسکن اختصاص داده شده است، از این‌رو جهت برآورد و تحلیل بهتر نیاز است که به این نکات توجه شود.

البته همواره این پرسش در ذهن هر پژوهشگری ایجاد می‌شود که چرا بانک مرکزی از منابعی که به منظور قرض‌الحسنه توسط مردم در اختیار بانک‌ها قرار داده می‌شود، ذخیره قانونی می‌گیرد و خود با کاهش حداکثری نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه، منابع تسهیلات قرض‌الحسنه را افزایش نمی‌دهد؛ در حالی که انتظار این است که نه تنها بانک مرکزی با ابزار ذخیره قانونی از حجم این منابع نگاهد، بلکه بخشی از منابع در اختیار خود را جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از طریق نظام بانکی به کار گیرد (محقق‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

۶.۶. دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه فراتر از هزینه‌های مرتبط

کارمزد در تسهیلات قرض‌الحسنه باید در ازای انجام هزینه‌های اداری پرداخت تسهیلات و به صورت حق‌العمل باشد. گاهی این پرداخت در قالب جعاله طرح می‌شود بدین معنا که اگر

قرض‌گیرنده مبلغی را به صورت جعل برای کارمندان که مقدمه‌های معامله را انجام می‌دهد تعیین کند بی‌اشکال است. اما چنانچه اخذ کارمزد با درصدهای بالا بهانه‌ای برای درآمدزایی فرای این موضوع باشد، با شبهه مواجه خواهد بود.

نکته‌ای که در این‌جا لازم به اشاره است این است که در ماده ۴ قرارداد قرض‌الحسنه (فرم یکنواخت مصوب جلسه مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۹۳ شورای پول و اعتبار)، ذکر شده است که: «کل قرض‌الحسنه اعطایی موضوع قرارداد، مبلغ (به عدد) (به حروف) و کارمزد متعلقه معادل درصد نسبت به مانده قرض‌الحسنه اعطایی موضوع این قرارداد در سال می‌باشد که قرض‌گیرنده قبول و تعهد نمود بدهی خود بابت اصل تسهیلات و کارمزد متعلقه را در قسط، در قبال قبض رسید، طبق ضوابط ابلاغی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به بانک/مؤسسه اعتباری بپردازد».

آن‌طور که ملاحظه می‌شود کارمزد متعلقه، درصدی از مانده قرض‌الحسنه اعطایی است حال آن‌که مشخص نیست که کار اداری و هزینه‌های مرتبط با پرداخت تسهیلات چه نسبتی با میزان تسهیلات دارد. به عبارتی آیا به طور مثال، پرداخت ده میلیون ریال تسهیلات از لحاظ هزینه‌های کارمزدی و اداری تفاوتی به این اندازه با پرداخت صد میلیون ریال تسهیلات دارد؟ همچنین به نظر می‌رسد نرخ کارمزد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف عموماً باید منعطف و متغیر باشد، لذا ثبات این نرخ در هر شرایط زمانی و مکانی می‌تواند نشانه‌ای از غیرحقیقی بودن آن به حساب آید.

۶.۷. پرداخت مازاد بر اصل قرض با پرداخت جوایز قرعه‌کشی

در نظام بانکی کشور مرسوم است که بانک‌ها جهت ترغیب مشتریان به افتتاح حساب‌های قرض‌الحسنه بنا بر انجام قرعه‌کشی، جوایز نفیسی را به مشتریان منتخب اهدا می‌کنند^۱. در این‌جا دو بیان قابل تصور است در بیان نخست می‌توان گفت، گرچه بانک با فرد فرد سپرده‌گذاران شرط جایزه نکرده است و نسبت به فرد فرد آنان وظیفه‌ای ندارند اما در برابر مجموع آن‌ها وظیفه انجام قرعه‌کشی و پرداخت جایزه دارد. این وظیفه به حدی روشن است که اگر بانک به انجام قرعه‌کشی و پرداخت جایزه اقدام نکند مردم می‌توانند نسبت به بانک اعلام شکایت نمایند. از این‌رو به نظر

۱. البته در سال‌های دهه هشتاد و قبل از آن که بخش مهمی از سپرده‌های قرض‌الحسنه در بخش تسهیلات سودآور بانکی بکار گرفته می‌شد، بانک‌ها به نحو بیشتری از قرعه‌کشی و اعطای جوایز نفیسی به سپرده‌گذاران قرض‌الحسنه برای جذب منابع بیشتر استفاده می‌کردند. در سال‌های اخیر با الزام بانک‌ها در بکارگیری منابع قرض‌الحسنه‌ای در اعطای تسهیلات صرفاً قرض‌الحسنه‌ای از میزان استفاده از این روش ترغیبی بطور چشمگیری کاسته شده است. باتوجه به آن‌که این روش هنوز نیز مورد استفاده نظام بانکی قرار دارد، به چالش‌های آن پرداخته می‌شود.

می‌رسد در مجموع، قرض همراه با شرط ضمنی «زیاده کلی» نسبت به عموم قرض‌دهندگان صورت می‌پذیرد و اگر نتوانیم بگوییم این شرط ضمنی موجب ایجاد ربا در فرآیند قرض‌الحسنه می‌شود، ولی می‌توان وجود شبهه را در آن وارد دانست.

در بیان دوم می‌توان چنین اظهار داشت که احتمال (شانس) برنده شدن سپرده‌گذار سپرده‌های قرض‌الحسنه در قرعه‌کشی (ولو اندک) دارای ارزش اقتصادی است و با فرض امکان انتقال آن به غیر و وجود بازار، دارنده آن می‌تواند آن را به قیمت بازاری واگذار نماید. همین نکته مهم نشانگر این واقعیت است که با برگزاری قرعه‌کشی پرداخت جوایز بانکی، قرض‌دهنده (سپرده‌گذار) از مازادی بر اصل مبلغ پرداختی خود بهره‌مند شده است که عموماً حاضر نیست بدون دلیل از آن صرف‌نظر کند. از این رو وجود شبهه مازاد بودن شرکت در قرعه‌کشی پرداخت جوایز می‌تواند قابل تصور باشد.

۶.۸. چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخت جوایز قرعه‌کشی

در پرداخت جوایز قرعه‌کشی، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی برای بانک وجود دارد. اول آن که اگرچه سود حاصله از جهت حقوقی متعلق به بانک است، اما از جهت واقعی حاصل کارکرد منابع سپرده‌گذاران و سهامداران بوده و متعلق به همه آنهاست. لذا اعطای بخشی از سود حاصله به گروه اندکی از صاحبان حساب پس‌انداز آن هم از طریق قرعه، شکل نامناسبی از توزیع درآمد است و اثرات سو اقتصادی و اجتماعی ایجاد خواهد نمود.

دوم این که، تقسیم سود حاصل از پس‌انداز به صورت قرعه‌کشی و اعطای جوایز فریبنده و تبلیغات وسیع از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه و سایر رسانه‌ها علاوه بر تحمیل هزینه سنگین تبلیغات، بانک را از سطح یک موسسه مهم اقتصادی تنزل داده در ردیف موسسات اعانه ملی و بخت‌آزمایی قرار می‌دهد.

سوم این که، اعطای جوایز و تبلیغات وسیع به نحوی که گذشت باعث می‌شود که سپرده‌های پس‌انداز ثبات خود را از دست بدهند. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که بسیاری از سپرده‌گذاران به دنبال هر قرعه‌کشی منابع خود را از بانکی به بانک دیگر منتقل می‌کنند، بنابراین روشن است که با از بین رفتن ثبات سپرده‌ها، برنامه‌ریزی بلندمدت برای استفاده از مانده آن‌ها مشکل می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳: ۴۴۱).

۶.۹. اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری اولیه

بعضی از بانک‌ها و مؤسسات مالی، تسهیلات را به شرط افتتاح حساب و سپرده‌گذاری مبتنی بر قرض پرداخت می‌کنند. بدین طریق که بانک برای اعطای تسهیلات شرط می‌کند که متقاضی تسهیلات، باید مبلغی را به اندازه حداقل مدت مشخصی نزد آن بانک سپرده‌گذاری کند یا به عبارتی به بانک قرض بدهد و سپس در آینده به مقداری متناسب با مدت سپرده‌گذاری، تسهیلات

قرض‌الحسنه به او پرداخت می‌شود. اگر دادن پول به بانک به این عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد بانک به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، تسهیلاتی در اختیار او قرار دهد و یا تسهیلات دادن بانک مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در بانک گذاشته باشد، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌گذار نوعی مازاد بر قرض سپرده‌گذار بوده و بنا به حدیث کل قرض جرّ نفعاً فهو ربا (بیهقی، ۲۰۰۳، ج ۲: ۲۱)، این شرط در حکم ربا است، ولی اصل قرض می‌تواند نسبت به هر دو طرف صحیح باشد.

البته بانک‌ها برای رفع این مانع، رسماً اعلام می‌دارند که تعهد و وظیفه‌ای در خصوص اعطای تسهیلات در برابر سپرده‌گذاران نخواهند داشت، به عبارتی سپرده‌گذاری افراد الزامی به دریافت تسهیلات ایجاد نمی‌کند و بانک مختار است به فرد سپرده‌گذار تسهیلات بدهد یا خیر (که البته همواره تسهیلات به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود). از این رو شرط بودن سپرده‌گذاری از اعطای تسهیلات منفک شده و نفعی برای فرد سپرده‌گذار ایجاد نمی‌شود.

۶.۱۰. ایراداتی بر متن قرارداد قرض‌الحسنه

قرارداد تسهیلات قرض‌الحسنه (فرم یکنواخت مصوب جلسه مورخ ۲۱ بهمن ۱۳۹۳ شورای پول و اعتبار)، از برخی اشکالات محتوایی برخوردار است. به عنوان نمونه در ماده ۹ این قرارداد عنوان می‌شود که: «قرض‌گیرنده و ضامن/ضامنین به طور غیرقابل رجوع به بانک/مؤسسه اعتباری اجازه و اختیار دادند که هرگونه مطالبات خود ناشی از این قرارداد را اعم از مستقیم یا غیرمستقیم پس از سررسید یا حال شدن دیون و در صورت عدم پرداخت، از موجودی هر یک از حساب‌ها (ریالی و ارزی)، اموال و اسناد آنان نزد بانک/مؤسسه اعتباری و یا بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری، رأساً و بدون نیاز به حکم قضائی یا اجرایی برداشت نموده و به حساب بدهی قرض‌گیرنده منظور نماید.» در این ماده عبارت «به‌طور غیرقابل رجوع» به وکالت بلاعزل اشاره دارد. از آن‌جاکه این وکالت به صورت شرط در ماده ذکر شده است باید صحت شرط مورد تایید باشد. این در حالی است که وکالت مفهومی اعتباری است و استمرار وکالت منوط به فرض موکل است. اگر موکل وکیل خود را وکیل فرض نکند به نحو طبیعی وکالت فسخ می‌شود حتی اگر در ضمن عقد خارج لازم باشد. بنابراین بر صحت وکالت بلاعزل خدشه وارد است و از این رو این شرط قابل مناقشه است همچنین ماده ۱۵ این قرارداد بیان می‌کند که: «مالک یا مالکین مورد وثیقه، ضمن اعلام و اقرار به این‌که تاکنون نسبت به عین مورد وثیقه هیچ‌گونه معامله‌ای انجام نداده اند، متعهد و ملتزم گردیدند که...». این جمله ابهام دارد. به هر حال در سابقه عین مورد وثیقه حتماً معامله بیع برای صاحب وثیقه رخ داده است. از آن‌جاکه بعید است منظور منع این نوع معامله باشد و احتمال قریب به یقین

منظور این است که مورد وثیقه مانعی از حیث توثیق نداشته باشد، لازم می‌نماید که این جمله اصلاح گردد.

۷- پیشنهاداتی برای تخفیف چالش‌ها

۱. یکی از چالش‌های طرح شده به ایراد مفهومی در نامگذاری سپرده‌های بانکی اشاره داشت. در این رابطه پیشنهاد می‌شود سپرده‌های بانکی به سه دسته سپرده‌های جاری، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار تقسیم شود تا چالش پیش‌گفته در خصوص دو دسته نخست برطرف گردد. در دسته سپرده‌های جاری، با توجه به آن‌که عنوان قرض‌الحسنه که توأم با اهداف خیرخواهانه است، مناسب با کارکرد این سپرده و نیت سپرده‌گذاران و بانک نیست، بهتر خواهد بود که در قانون بانکی نام این سپرده به «سپرده قرض جاری» تغییر نماید. در این حالت دیگر وجوه قرض‌الحسنه‌ای وجود نخواهد داشت و بانک در ازای ارایه خدمات حساب جاری از وجوه قرض بدون بهره به نفع خود استفاده خواهد برد. اما در دسته سپرده‌های پس‌انداز، با توجه به آن‌که یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در نظام بانکی کشور استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در تسهیلات غیر قرض‌الحسنه‌ای است، پیشنهاد می‌شود رابطه حقوقی بانک و سپرده‌گذاران در سپرده‌های پس‌انداز از «قرض‌الحسنه» به «وکالت برای قرض‌الحسنه» تغییر کند. با اعمال این پیشنهاد، بانک وکیل سپرده‌گذاران و نه مالک سپرده‌ها شده و موظف می‌شود به وکالت از موکلین خود وجوه پس‌انداز جمع‌آوری شده را صرفاً به افراد نیازمند قرض‌الحسنه دهد. با این تدبیر براساس ضوابط عقد وکالت مورد اشاره، بانک اجازه ندارد از منابع سپرده‌های قرض‌الحسنه برای اعطای تسهیلات سودآور و غیر قرض‌الحسنه‌ای استفاده نماید. همچنین با این تدبیر شبهه دریافت قرض‌الحسنه توسط بانک به عنوان نهاد غیرنیازمند مرتفع شده و بانک صرفاً وکیل سپرده‌گذاران در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان می‌شود. همچنین با این تدبیر، در واقعیت امر رابطه بانک با سپرده‌گذاران رابطه قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده نخواهد بود که پرداخت جایزه مبتنی بر قرعه‌کشی نوعی مازاد پرداختی از قرض‌گیرنده به قرض‌دهنده به حساب آید. بلکه در قرض‌الحسنه بانکی، بانک نقش وکیل در امور قرض‌الحسنه را داشته و پرداخت جایزه از سوی وکیل خواهد بود و نه قرض‌گیرنده. با این تفسیر شاید می‌توان از شبهه و چالش مازاد بر اصل قرض بودن جوایز بانکی عبور نمود. با همین استدلال، می‌توان شبهه اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری اولیه را هم مرتفع دانست. چراکه در پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌گذاران، سپرده‌گذاران از محل وکالت امتیاز دریافت می‌کنند. همچنین با توجه به ماهیت استخر منابع و وجود تعداد زیاد سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان، این‌گونه نخواهد بود که بانک پول فرد اول را به فرد دوم

قرض‌الحسنه بدهد مشروط به این‌که در آینده دقیقاً همان فرد دوم به فرد اول تسهیلات بپردازد. بلکه سپرده سپرده‌گذاران وارد یک استخر منابع می‌شود و تسهیلات نیز از همان استخر منابع به تسهیلات‌گیرندگان پرداخت می‌شود.

۲. از جمله چالش‌هایی که در استفاده از عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی وجود دارد به موضوع تجهیز منابع برمی‌گردد. یکی از شیوه‌های تجهیز منابع می‌توان به سپرده تعاونی اشاره کرد. این سپرده به دو صورت قابل طراحی است. اول آن‌که بانک به عنوان یک صندوق بزرگ با مطالعات کارشناسی به این نکته می‌رسد که در مقابل چه مبلغ سپرده و در چه مدتی می‌تواند امتیاز چه تسهیلاتی را به سپرده‌گذار بدهد تا با استفاده از منابع این گروه از سپرده‌گذاران نیازهای تسهیلاتی آنان را به نحو قرض‌الحسنه تامین کند. دوم این‌که عده‌ای از افراد (مثل کارمندان یک شرکت) ابتدا تصمیم به تشکیل صندوق قرض‌الحسنه گردشی می‌گیرند و در ادامه نماینده آن‌ها به بانک مراجعه کرده و درخواست خود را مطرح می‌کند. در این شرایط هر یک از اعضا ماهانه مبلغ مشخصی را به حساب خود نزد بانک واریز می‌کنند و بانک به وی امتیاز دریافت تسهیلات قرض‌الحسنه متناسب با مبلغ و مدت سپرده‌گذاری را ارایه می‌کند. زمانی که امتیاز فرد به سقف مشخصی رسید این حق را دارد که درخواست تسهیلات از بانک نماید و بانک نیز با رعایت حداقل تشریفات نسبت به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه اقدام می‌کند.

به علت وجود سپرده از اعضا نزد بانک و رابطه مشخص بین اعضا (رابطه کارمندان یک شرکت یا یکدیگر) چالش نکول در بازپرداخت تسهیلات به حداقل می‌رسد. همچنین به همین علت نیاز به دریافت وثیقه سنگین از اعضا وجود ندارد. نکته مهم این است که اعضا پول خود را به بانک قرض نمی‌دهند؛ چراکه با این کار اعطای امتیاز به نوعی مازاد بر قرض به حساب آمده و شبهه ربوی بودن پدید می‌آید. از این‌رو در این نوع سپرده تعاونی می‌توان از عقد «وکالت جهت پرداخت قرض‌الحسنه» استفاده کرد؛ دقیقاً مشابه آن‌چه در سپرده‌های قرض‌الحسنه باید جریان داشته باشد. بدین‌صورت که سپرده‌گذار با پرداخت وجوه خود، بانک را وکیل می‌کند که با استفاده از این وجوه همراه با وجوه سایر اعضا به افراد صندوق تسهیلات قرض‌الحسنه بپردازد. در مقابل بانک با در نظرگیری امتیاز برای اعضا نسبت به وی متعهد می‌شود که اگر به تسهیلات قرض‌الحسنه نیاز پیدا کرد بانک به وی این تسهیلات را اعطا کند (موسویان و میسمی، ۱۳۹۴: ۶۴۴-۶۴۶).

۳. یکی دیگر از پیشنهادات مطرح این است که اوراق قرض‌الحسنه طراحی شود. این اوراق می‌تواند به سه صورت تهیه و توزیع شود.

الف) اوراق قرض‌الحسنه موقت: این اوراق ممکن است در بازه‌های زمانی شش‌ماهه، یک‌ساله، دو‌ساله و غیره صادر شود. کسی که این اوراق را دریافت می‌کند به موسسه وکالت می‌دهد از وجهی

که داده به مدت مذکور در اوراق، در امر قرض الحسنه به نیازمندان استفاده کند. دارنده اوراق در پایان مدت مدنظر با تحویل ورقه، وجه خود را باز پس می‌گیرد و پیش از آن حق اخذ وجه را نخواهد داشت. البته اگر دارنده ورقه نیازمند به وجه خود تا پیش از پایان مدت مذکور باشد می‌تواند ورقه را در بازار ثانویه به شخص ثالثی فروخته و وجه خود را دریافت نماید. پس از فروش شخص ثالث در جایگاه فرد قرض‌دهنده قرار خواهد گرفت و ثواب قرض به وی منتقل می‌شود. لازم به اشاره است که اگر قرار باشد این اوراق در بازار ثانویه به صرف (بالاتر از قیمت اسمی) فروخته شود، ربا محسوب می‌شود. اما اگر قرار باشد این اوراق به کسر (پایین‌تر از قیمت اسمی) فروخته شود هرچند از طرف فروشنده از باب بیع دین اشکالی ندارد ولی در معاملات بعدی که امکان دارد اوراق به قیمت بالاتری نسبت به معامله اول فروخته شود باز شبهه ربا پیش خواهد آمد. شرط صحت این عملیات آن است که با لحاظ شرطی از فروش اوراق به مبالغ بالاتر از قیمتی که قبلاً پرداخت شده جلوگیری بعمل آید.

ب) اوراق قرض الحسنه دایم: قید دوام در این اوراق بدین معناست که دریافت‌کننده این اوراق پول خود را تا ابد به قرض الحسنه اختصاص می‌دهد و به موسسه وکالت می‌دهد که این پول را از ناحیه او به نیازمندان قرض الحسنه بدهد.

ج) اوراق سرمایه‌گذاری قرض الحسنه: دارنده این اوراق به موسسه وکالت می‌دهد که پول او را در فعالیت‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری کرده و تنها سود آن را صرف امور قرض الحسنه نماید (میرمعزی، ۱۳۸۲: ۳۶۲-۳۶۳).

۴. یک پیشنهاد دیگر که می‌تواند تا حدی فراتر از سایر پیشنهادات ارایه شده باشد آن است که با توجه به ماهیت انتفاعی و سود محور بودن نظام بانکی، امور مربوط به قرض الحسنه به طور کل از نظام بانکی خارج شود و تحت مدیریت نهاد دیگری جریان داشته باشد. البته این امر گرچه موجب حفظ بهتر قداست این سنت حسنه می‌شود اما مسلماً با موانع و دشواری‌هایی برای تمامی ذینفعان روبرو خواهد بود. خصوصاً آن‌که نظام بانکی از شعب گسترده، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مناسب، درجه اعتماد و اطمینان بالا نزد عموم مردم، سابقه و تجربه مدیریت دارایی‌ها و غیره برخوردار است که انتقال امور قرض الحسنه از بانک به نهاد دیگر را با دشواری‌هایی (حداقل در کوتاه‌مدت و میان‌مدت) مواجه می‌سازد.

۵. پیشنهاد دیگر به ذخیره قانونی سپرده‌های قرض الحسنه برمی‌گردد. با توجه به این‌که بانک مرکزی از منابعی که به منظور قرض الحسنه توسط مردم در اختیار بانک‌ها قرار داده می‌شود، ذخیره قانونی می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود با کاهش حداکثری نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های پس‌انداز قرض الحسنه، بر حجم منابع تسهیلات قرض الحسنه افزوده شود؛ حتی می‌توان پیشنهاد نمود در صورت

امکان، بانک مرکزی بخشی از منابع در اختیار خود را جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از طریق نظام بانکی به کار گیرد. همچنین کاهش مرحله‌ای نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های دپداری برای بانک‌هایی که قسمتی از باقیمانده حساب‌های جاری خود را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهند، می‌تواند پیشنهاد دیگری در این حوزه باشد.

نتیجه‌گیری

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نهادی به عنوان قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور وجود نداشت و مواردی به صورت گسسته در بیرون از نظام بانکی تحت عناوینی همچون صندوق‌های قرض‌الحسنه و خیریه فعالیت می‌کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲، قرض‌الحسنه به جزئی ثابت از عملیات تجهیز و تخصیص منابع بانکی در ایران بدل شده است. با مروری بر متن قرارداد و عملیات اجرایی بکارگیری عقد قرض‌الحسنه در نظام بانکی کشور، متوجه چالش‌هایی خواهیم شد. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به ایراد مفهومی در نامگذاری، عدم تناسب بین عقد قرض‌الحسنه و بانکداری تجاری، عدم تناسب مفهومی در اعطای قرض‌الحسنه به بانک، عدم وجود اهداف خیرخواهانه در سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری، استفاده از وجوه قرض‌الحسنه در تسهیلات غیر قرض‌الحسنه‌ای، دریافت کارمزد تسهیلات قرض‌الحسنه فراتر از هزینه‌های مرتبط، پرداخت مازاد بر اصل قرض با پرداخت جوایز قرعه‌کشی، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخت جوایز قرعه‌کشی، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به شرط سپرده‌گذاری اولیه و ایراداتی بر متن قرارداد قرض‌الحسنه اشاره داشت.

در انتها شایان ذکر است که مرور آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد قرض‌الحسنه بانکی نتوانسته است همپای نرخ رشد نقدینگی افزایش مقدار داشته باشد. این مسئله گویای این واقعیت است که جایگاه سپرده‌های قرض‌الحسنه در تجهیز منابع بانکی رو به افول بوده و این سپرده جای خود را در تجهیز منابع بانکی به سایر سپرده‌ها داده است. از جمله علل این عارضه می‌توان به بالا بودن نرخ تورم در ادوار مختلف، نوسانات و شوک‌های اقتصادی، رکود اقتصادی، استفاده برخی از بانک‌ها از منابع قرض‌الحسنه‌ای در مسیر فعالیت‌های سودآور و در نتیجه کاهش انگیزه افراد در سپردن منابع قرض‌الحسنه‌ای به بانک‌ها، عدم فرهنگ‌سازی ترویجی مناسب برای ترغیب جامعه به اعطای قرض‌الحسنه و غیره است. در مجموع نیاز است توجهی بیش از پیش به مقوله قرض‌الحسنه خصوصاً قرض‌الحسنه بانکی داشته و با رفع چالش‌ها و نقیصه‌های موجود، از این ظرفیت عالی به نفع اقتصاد ملی استفاده حداکثری نمود.

منابع

۱. اثنی عشری، ابوالقاسم و محمدرضا بابایی سمیرمی (۱۳۸۸)، برآورد تابع تقاضای پول در سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌های ایران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۵۱.
۲. ایروانی، باقر (۱۳۸۰)، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ج ۲.
۳. بیدار، محمد (۱۳۹۱)، کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۷.
۴. بیهقی، احمدبن حسین (۲۰۰۳م)، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی - اسلامی (صکوک)، دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۶. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۰)، توضیح‌المسائل مراجع تقلید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. حبیبیان نقیبی، مجید (۱۳۸۱)، قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، فصلنامه نامه مفید، ش ۳۱.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل‌الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۹. عزتی، مرتضی (۱۳۹۳)، ارزیابی اثر بازارهای مالی بر بازار قرض‌الحسنه در ایران، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۲۲.
۱۰. فرزین‌وش، اسداله و احمد شعبانی (۱۳۸۱)، بررسی عقود در بانکداری اسلامی، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۱. کاشانی، سید محمود (۱۳۷۶)، بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲، مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
۱۲. محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۹)، بررسی جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه معرفت اقتصادی، سال اول، شماره ۱.
۱۳. محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۲)، طرحی نو در قرض‌الحسنه، تهران: گرایش تازه.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح‌اله (۱۳۸۰)، تحریرالوسیله، قم: دارالعلم.
۱۵. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲)، سخن نخست: بانک مرکزی و صندوق‌های قرض‌الحسنه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰.

۱۶. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۳)، ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
۱۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، فرهنگ فقهی و حقوقی معاملات؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۱۸. موسویان، سیدعباس و حسین میسمی (۱۳۹۴)، بانکداری اسلامی؛ مبانی نظری - تجارب عملی، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی، ویراست چهارم.
۱۹. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۲)، سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۰. هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۷۸)، قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

1. Farooq, Mohammad Omar, Qard Hasan (2010), "Wadiyah/Amanah and Bank Deposits: Applications and Misapplications of Some Concepts in Islamic Banking", Arab Law Quarterly, Vol. 25, No. 2.
2. Mirakhor, A. and Iqbal, Z, (2007), "Qard hasan microfinance (QHMF)", New Horizon, Global Perspective on Islamic Banking and Finance, No. 164.
3. Saqib, Lutfullah, Mueen Aizaz Zafar, Khurram Khan, Kellie W. Roberts, Aliya Mueen Zafar (2015), "Local agricultural financing and Islamic banks: is Qard-al-Hassan a possible solution?", Journal of Islamic Accounting and Business Research, Vol. 6 Iss: 1.